

Ethical Model of Gender Justice in Education (Based on the Adaptation of Morteza Motahari and John Rawls' Perspective)

H. Safa¹, A. Mashinchi Ph.D.^{2*}, M. Ranjbar Ph.D.³

1. Ph.D. Student of Philosophy of Islamic Education, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Lamard Branch, Iran.
2. Department of Educational Science, Islamic Azad University, Lamard branch, Lamard, Iran.
3. Department of Public Administration, Lamard Branch, Islamic Azad University, Lamard, Iran.

Abstract

Background: Gender equality and fair treatment of women and girls is a moral imperative. The purpose of the current research is to present the moral model of gender justice in education based on the adaptation of Morteza Motahari and John Rawls.

Method: This research is practical in terms of goals and comparative content analysis in terms of data collection method. The society and the research field included books, articles and researches that dealt with education from the point of view of Morteza Motahari and John Rawls, and with a purposeful and criteria-based sampling method, on the condition of being relevant and up-to-date, which is the most relevant to the subject. 130 cases were selected from them. The method of data analysis was the coding method (open coding, axial coding and selective coding).

Results: The data analysis finally led to the identification of 4 dimensions, 16 components and 48 indicators, and the research model was formed.

Conclusion: Ethical components in the form of 4 components and 12 indicators and anthropological components in the form of 4 components and 12 indicators and epistemological components in the form of 4 components and 12 indicators and psychological components in the form of 4 components and 12 indicators were identified.

Keywords: *Ethics, Gender justice, Morteza Motahari, John Rawls*

***Corresponding Author:** A. Mashinchi, Department of Educational Science, Islamic Azad University, Lamard branch, Lamard, Iran. Email: a.mashinchi56@gmail.com

How to cite: Safa H, Mashinchi A, Ranjbar M. ethical model of gender justice in education (based on the adaptation of Morteza Motahari and John Rawls' perspective). *Ethics in Science and Technology*. 2025, 20(2):59-65.



Copyright © 2025 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

الگوی اخلاقی عدالت جنسیتی در تربیت (بر اساس تطبیق دیدگاه مرتضی مطهری و جان رالز)

حکیمه صفا^۱، دکتر علی اصغر ماشینی^{۲*}، دکتر مختار رنجبر^۳

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، ایران.

۲. گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، لامرد، ایران.

۳. گروه مدیریت دولتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۸)

چکیده

زمینه: برابری جنسیتی و رفتار منصفانه با زنان و دختران یک الزام اخلاقی است. هدف از تحقیق حاضر ارایه الگوی اخلاقی عدالت جنسیتی در تربیت بر اساس تطبیق دیدگاه مرتضی مطهری و جان رالز است.

روش: این مطالعه مروری از نظر اهداف، کاربردی و از نظر شیوه جمع آوری اطلاعات از نوع تحلیل محتوا تطبیقی است. جامعه و حوزه پژوهش شامل کتب، مقالات و تحقیقاتی که به تربیت از زاویه دید مرتضی مطهری و جان رالز پرداخته اند بوده است و با روش نمونه گیری به صورت هدفمند و ملاک محور و به شرط مرتبط بودن و بروز بودن که بیشترین ارتباط با موضوع را داشتند ۱۳۰ مورد از آنها انتخاب شد. ابزار مورد استفاده به صورت ثبت اطلاعات و فیش برداری بود. روش تحلیل داده ها روش کدگذاری به شیوه (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی یا گزینشی) بود.

یافته ها: تحلیل داده ها در نهایت منجر به شناسایی ۴ بعد، ۱۶ مولفه و ۴۸ شاخص شد و الگوی تحقیق شکل گرفت.

نتیجه گیری: مولفه های اخلاقی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص و مولفه های انسان شناختی نیز حول ۴ مولفه و ۱۲ شاخص و مولفه های معرفت شناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص و مولفه های روانشناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص شناسایی شد.

کلیدواژگان: اخلاق، عدالت جنسیتی، مرتضی مطهری، جان رالز

سرآغاز

از دیدگاه اسلام عدالت^۳ رفتار یکسان با همه افراد نیست، بلکه به هرکس باید حقش داده شود چه بسا گاهی رفتار مشابه با زن و مرد عین ظلم است؛ بنابراین تساوی زن و مرد تنها با توجه به موقعیت هر یک در نظام آفرینش و تعدیل ارتباطات متقابل آنها تعریف می شود به عبارت دیگر "تساوی در جایی است که احکامی که بر علیه هریک از زن و مرد است برابر با احکامی باشد که به نفع ایشان است (۱). فیلسوفان و نظریه پردازان مختلفی در ارتباط با عدالت جنسیتی سخن گفته اند، اما در پژوهش حاضر، مطهری از مکتب اسلام و جان رالز از مکتب غرب انتخاب شده اند که به بررسی تطبیقی دیدگاه های این دو متفکر درباره عدالت جنسیتی در تربیت پرداخته شده است.

در قرن ۲۱ جهان شاهد آن است که عدالت جنسیتی^۱ هنوز به دست نیامده و تلاش برای دستیابی به حقوق برابر برای زنان در سراسر جهان ادامه دارد. در سطح جهانی، قوانین، سیاست ها و نگرش های تبعیض آمیز رایج و ریشه دار باقی مانده اند و در شرایط بحرانی، زنان اغلب بار خشونت^۲، به حاشیه رانده شدن و طرد اقتصادی را متحمل می شوند. بی شک در جهان امروز زنان همچنان در تصمیم گیری هایی که مستقیماً بر زندگی، ایمنی و رفاه آنها تأثیر می گذارد، کمتر حضور دارند. این در حالیست که برابری جنسیتی و رفتار منصفانه با زنان و دختران یک الزام اخلاقی است و بر این اساس ایجاد نظام ها و نهادهای مؤثر و فراگیر قانون، برای پیشبرد برابری جنسیتی و توانایی زنان و دختران برای تحقق و مطالبه حقوق انسانی خود در شرایط برابر با سایرین ضروری است.

عدالت» و «لیبرالیسم سیاسی» این است که چگونه یک جامعه بسامان را بنا نهد که در آن سود و مسئولیت به درستی توزیع شود تا نه برابری و مساوات از جامعه رخت برنند و نه نه به امید تحکیم برابری کفایت از بین برود. پس عادلانه نمودن نابرابری ها مهم ترین دغدغه اوست که به اعتقاد رالز در نظریه «عدالت به مثابه انصاف» پرداخته شده است (۹). با توجه به آنچه گفته شد در این پژوهش هدف بررسی تطبیقی عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو است. در این راستا تاکید اصلی این پژوهش، بررسی تطبیقی عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز است و در صدد آن است با نگاهی به اهم آراء جان رالز در زمینه عدالت جنسیتی، کاربرد آن را در مورد تربیت مورد بررسی قرار داده و تهافت آشکار آن را با نظریه عدالت جنسیتی در اسلام از دیدگاه مطهری بیان نماید. در این راستا به سوال ذیل پاسخ خواهد داد:

شاخص ها و مولفه های عدالت جنسیتی در تربیت از دیدگاه شهید مطهری و جان رالز کدامند؟

روش

این پژوهش از نظر اهداف، کاربردی و از نظر شیوه جمع آوری اطلاعات از نوع تحلیل محتوا تطبیقی است. جامعه و حوزه پژوهش شامل کتب، مقالات و تحقیقاتی که به تربیت از زاویه دید مرتضی مطهری و جان رالز پرداخته اند بوده است و با روش نمونه گیری به صورت هدفمند و ملاک محور و به شرط مرتبط بودن و بروز بودن که بیشترین ارتباط با موضوع را داشتند ۱۳۰ مورد از آنها انتخاب شد. ابزار مورد استفاده به صورت ثبت اطلاعات و فیش برداری بود. روش تحلیل داده ها روش کدگذاری به شیوه (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی یا گزینشی) بود.

یافته ها

کدگذاری باز

در این مرحله از پژوهش، مفاهیم و نکات کلیدی بدست آمده در خصوص مولفه های اندیشه های مرتضی مطهری و جان رالز به منظور ارائه الگو، از فرایند مطالعه اسناد و مدارک شامل مبانی نظری و پیشینه پژوهش یادداشت برداری و بر اساس مبانی علمی و نظری از نظر مفهومی یکسان سازی شدند.

کدگذاری محوری

در این مرحله محقق بر اساس شباهتهای محتوایی اقدام به دسته بندی شاخص های بدست آمده در مرحله کدگذاری باز نموده است. در این مرحله که کدگذاری محوری نامیده می شود. بر این اساس و با توجه به بررسی ها و بررسی انجام شده توسط محقق برای هر بعد، تعدادی از کدهای باز/شاخصها را در برگرفته است. که در جدول ۱ ارائه شده اند.

کدگذاری انتخابی

مرتضی مطهری سعی دارد تا در بطن نظریات اسلامی برگرفته از فقه شیعی به مقایسه آنها با نظریات روز در سطح جهان (همانند مارکسیسم و لیبرالیسم) پردازد (۲). نگاه مطهری به جامعه یکی از بنیادهای اندیشه سیاسی^۴ وی است. از نظر وی نسبت جامعه به انسان همانند نسبت انسان به اجزاء خود می باشد؛ یعنی جامعه نیز مرکب حقیقی است اما این ترکیب سبب سلب استقلال از اعضای تشکیل دهنده آن نمی شود. همچنین جامعه ای نیز دارای اعضای متضاد است. مادامی که جامعه به اوج انسانیت نرسیده است تضاد و کشمکش بین انسانهای متعالی و انسان های حیوان صفت به صورت جنگ سیاسی، اقتصادی، فکری و اعتقادی ادامه دارد (۳). بدیهی است در چنین جامعه ای حقوق واقعی مشترک انسان ها و وضع حقوق زن و مرد درمقابل یکدیگر می بایست مشخص گردد. از نظر اسلام حقوق طبیعی و فطری از آن جا پیدا شده که دستگاه خلقت با روشن بینی و توجه به هدف، موجودات را به سوی کمالاتی که استعداد آنها را در وجود آنها نهفته است، سوق می دهد. هر استعداد طبیعی مبنای یک حق طبیعی است و یک سند طبیعی برای آن به شمار می آید (۴). مطهری معتقد است دستگاه خلقت هر نوعی از انواع موجودات را بر پایه اصل عدل در مداری مخصوص به خود قرار داده است. از این رو سعادت هر موجودی در آن است که در مدار طبیعی خود حرکت کند. براین اساس، وی عقیده دارد که با وجود دیدگاه رایج جنبش های فمینیستی تساوی طلب، این تفاوت ها به معنی برتری جنسی مرد نمی باشد، بلکه به منظور تحکیم پیوند خانوادگی بین آن هاست. به این ترتیب قانون آفرینش با ایجاد تفاوت ها به دست خود، حقوق و وظایف خانوادگی را میان زن و مرد تقسیم کرده است (۵). جایگاه جنسیت در منظومه فلسفی رالز از جمله مسائل مبهم است. جان رالز در عدالت به مثابه انصاف وقتی از پرده بی خبری صحبت می کند، مشخصاً از جنس مرد یا زن بودن انسان ها صحبت نمی کند، بلکه ذیل چارچوب های تفکر لیبرالیستی^۵ از مفهوم محوری «فرد» صحبت می کند. اینجاست که فمینیست ها به نقد این تئوری می پردازند (۶). از نگاه آنها مشکل اینجاست که مقصود جامعه از فرد همان «مرد» است نه انسان اعم از زن و مرد. شاید در نگاه اول چنین به نظر آید که عاقدان قرارداد در پشت پرده جهل بتوانند به این تبعیض پایان دهند و به انسان ها فارغ از هویت دینی، ملی، جنسی و شغلی شان توجه کنند؛ اما چنین اجماعی مشکل تبعیض علیه زنان را حل نمی کند؛ چو تبعیض اعمال شده مردان بر زنان بیشتر ماهیت جامعه شناختی داشته و نوعی ترجیح اجتماعی است و نظریه عدالت در این زمینه راه حلی ارائه نمی کند (۷). مجموعه آرا و نظریات رالز به دو دوره تقسیم می شود. دوره اول با چاپ کتاب «نظریه عدالت» اصول عدالت خویش را به عنوان یک نظریه اخلاقی و جامع که باید پایه و اساس هر ساختار اجتماعی عادلانه قرار گیرد، معرفی می کند. ولی در دوره دوم که تبلور اندیشه های وی در کتاب «لیبرالیسم سیاسی»^۶ مشهود است، نظریات عدالت خود را به عنوان مناسب ترین راهکار سیاسی جهت تکوین یک نظم اجتماعی در جوامع لیبرال-دموکرات معاصر مطرح می کند (۸). البته باید اذعان داشت که مساله اصلی رالز در دو کتاب اساسی اش یعنی «نظریه ای در باب

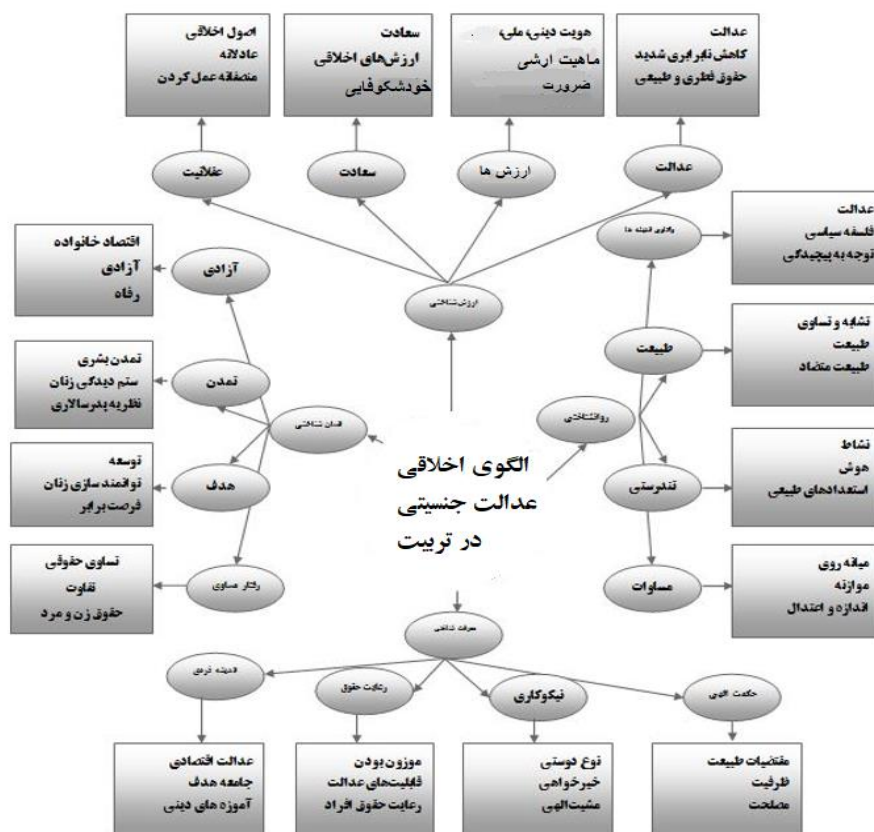
انسان شناختی نیز حول ۴ مولفه و ۱۲ شاخص قرار گرفتند و مولفه های معرفت شناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص دسته بندی شدند. و مولفه های روانشناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص دسته بندی شدند و در نهایت ۴ بعد، ۱۶ مولفه و ۴۸ شاخص در قالب یافته های بخش شناسایی شد که در جدول ۱ ارائه شده اند.

پس از کدگذاری محوری، مولفه های بدست آمده در یک مفهوم بزرگتر دسته بندی می شوند که از آن تحت عنوان ابعاد یاد می شود و این فرایند به کدگذاری انتخابی مشهور است. بررسی بدست آمده برای مولفه های تطبیقی اندیشه های مرتضی مطهری و جان رالز مولفه های اخلاق، در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص دسته بندی شدند. و مولفه های

شاخص / کد باز		کد محوری	بعد
۱- عدالت	۲- کاهش نابرابری شدید	۴- حقوق فطری و طبیعی	اخلاقی
۶- هویت دینی و ملی	۸- ماهیت ارزشی	۱۲- ضرورت	
۱۵- سعادت	۱۶- ارزش های اخلاقی	۱۸- خودشکوفایی	
۲۲- اصول اخلاقی	۲۸- عدالانه	۲۹- منصفانه عمل کردن	
۳۱- اقتصاد خانواده	۳۲- آزادی	۳۳- رفاه	انسان شناختی
۳۶- تمدن بشری	۳۷- ستم دیدگی زنان	۳۹- نظریه پدرسالاری	
۴۰- توسعه	۴۲- توانمند سازی زنان	۴۵- فرصت برابر	
۵۱- تساوی حقوقی	۵۴- تفاوت	۵۶- حقوق زن و مرد	
۵۷- عدالت اقتصادی	۶۳- جامعه هدف	۶۵- آموزه های دینی	معرفت شناختی
۶۷- موزون بودن	۷۰- قابلیت های عدالت	۷۱- رعایت حقوق افراد	
۷۲- نوع دوستی	۷۵- خبرخواهی	۸۰- مشیت الهی	
۸۱- مقتضیات طبیعت	۸۲- ظرفیت	۸۸- مصلحت	
۹۲- عدالت	۹۳- فلسفه سیاسی	۹۴- توجه به پیچیدگی	روانشناختی
۹۶- تشابه و تساوی	۹۷- طبیعت	۹۸- طبیعت متضاد	
۱۰۰- نشاط	۱۰۱- هوش	۱۰۲- استعداد های طبیعی	
۱۱۳- میانه روی	۱۱۶- موازنه	۱۱۸- اندازه و اعتدال	

نگاره ۱: الگوی اخلاقی عدالت جنسیتی در تربیت بر اساس اندیشه های مطهری و جان رالز

دکتر علی اصغر مائینچی و همکاران: الگوی اخلاقی عدالت جنسیتی در تربیت (بر اساس تطبیق دیدگاه مرتضی مطهری و جان رالز)



نگاره ۲: الگوی نهایی اخلاقی عدالت جنسیتی در تربیت بر اساس اندیشه های مطهری و جان رالز

بحث

پژوهش حاضر به دنبال طراحی الگوی اخلاقی عدالت جنسیتی در تربیت بر اساس اندیشه های مطهری و جان رالز بود. عدالت آرمانی است که مورد ستایش همه اقشار در همه زمان ها بوده و تا کنون مباحث بی شماری پیرامون آن مطرح بوده است. هر مکتب، عدالت را از دیدگاه خود طرح کرده و تبیین می نماید. ولی آنچه به معنای واقع ملاک تشخیص عدالت است، دقت در تطبیق نظام تکوین با تشریع است تا هر شیئی یا هر انسان در جای خود واقع شود و توان انجام کار را مطابق ساختار وجودی خویش داشته باشد و مورد ظلم واقع نشود. این تعریف از عدالت فارغ از منافع گروه و مکتب خاص است. از آنجا که هریک از زن و مرد در هستی در جایگاهی واقع شده اند و مسئولیتی ویژه خود دارند، ناچار در عمل بخصوص عمل متقابل افراد خانواده شبیه یکدیگر نیستند و هر یک کاری را انجام می دهد که دیگری یا توان انجام آن را ندارد و یا اگر بخواهد در جای دیگری انجام وظیفه کند در انجام آن عمل موفق نیست و شئون او مورد خدشه واقع می شود و صدمه می بیند.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد الگوی اخلاقی عدالت جنسیتی متشکل از مولفه های اخلاقی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص و مولفه های انسان شناختی نیز حول ۴ مولفه و ۱۲ شاخص و مولفه های معرفت شناختی در قالب ۴ مولفه و ۱۲ شاخص و مولفه های روانشناختی در قالب ۴

مولفه و ۱۲ شاخص است. این نتایج با نتایج برخی تحقیقات در این زمینه همسو و همراستاست. (۱۰-۱۶). بر اساس نتایج تحقیق می توان گفت به نظر می رسد براساس جهان بینی اسلامی بتوان به نحو بارزتری به دغدغه های موجود در زمینه عدالت به طور عام و عدالت جنسیتی به طور خاص پاسخ داد به گونه ای که ضمن تأمین و رعایت عدالت، وضعیت خاص و نیازهای ویژه گروه های اجتماعی همچون زنان را در نظر گرفت و در فضای واقعی و نه انتزاعی تأمین کرد. راهکاری که اسلام برای این وضعیت در نظر گرفته است توجه به «احسان» در کنار «عدل» است. براین اساس احساس و انصاف را می توان مکمل عدل دانست و برای اجرای آن قواعد و ضوابطی را تدوین کرد و ضمن فرهنگ سازی و آموزش و آگاه سازی زمینه های ایجاد محیط مساعد برای زنان را فراهم کرد (۱۷ و ۱۸). با توجه به نتایج بدست آمده در پژوهش حاضر، پیشنهاد های زیر ارائه می شود:

۱. توجه به ویژگی ها و استعداد های یادگیرندگان به دور از قضاوت جنسیتی
۲. توجه به اصول اخلاقی در تربیت
۳. بهسازی و اعتلای روش های تدریس بر مبنای عدالت و اخلاق
۴. بهره گیری از روش های یاددهی و یادگیری متنوع و مطلوب
۵. تحول و تغییر باور های سنتی دیرین درباره جنسیت برای شناسایی نقاط قوت و ضعف

نتیجه گیری

مبنای نظریه مطهری عدالت در وجه بارز آن، رعایت استحقاق هاست و مفهوم آن این است که استحقاق‌های طبیعی و واقعی در نظر گرفته شود و به هرکس مطابق آنچه برحسب کار و استعداد لیاقت دارد، داده شود. مطهری تلاش را محور استحقاق می‌داند که موجب اختصاص از بهره‌مندی در تعلیم و تربیت است، یعنی افراد به واسطه تلاش خود، مستحق برخورداری از امکانات و مواهب می‌شوند؛ یا به عبارتی می‌توان گفت تلاش متریان نیازمند زمینه و بستر مناسب است و بدون فراهم شدن آن، تلاش افراد به وقوع نمی‌پیوندد. براین اساس، رعایت استحقاق‌های ذاتی و ناشی از خلقت، کلی‌ترین و اصلی‌ترین ملاک عدالت در بسیاری از ابعاد است؛ بدین ترتیب باید برنامه‌های درسی و آموزشی مناسب در جهت شناسایی، رشد و شکوفایی استعدادها و مختلف همه دانش‌آموزان باشد تا متریان به میزان استعدادها و توانایی‌ها و تلاش‌های خود در مسیر درست، گام بردارند.

مبنای نظریه رالز در مورد عدالت به عنوان دانشمندی لیبرال که توانسته موجی از افکار را با خود همراه کند و در مدینه آرمانی خود ضمن تعیین چگونگی به دست آوردن اصول عدالت، تلفیقی از دولت برابر خواه و آزادی خواه را به وجود آورد و آزادی‌های مورد نظر لیبرالیسم کلاسیک و برابر آرمان خواهانه مارکسیست‌ها را در یک جا جمع کند. یک فضای فرضی است که در آن افراد بدون اینکه بدانند از کدام جنس، مذهب و نژاد هستند و بدون اینکه منفعتی را برای خود بخواهند، آزادی‌های اساسی نوع بشر را در ضمن توافقی در فضای خیر خواهانه و همدلی تعیین می‌کنند. او در این فضا اصولی را برای همه شهروندان تعیین می‌کند و اصلی مثل اصل آزادی و اصل فرصت برابر را می‌پذیرد. نکته این است که او به عنوان لیبرال واقعیت‌گرا در این فضای فرضی برای امور واقعی و محسوس زندگی و آزادی‌های مرتبط تصمیم می‌گیرد که از جمله اینها روابط میان زن و مرد و به تعبیر دیگر جنسیت تصمیم می‌گیرد و حال اینکه مسئله جنسیت یک بر ساخت اجتماعی است و در فضای فرضی قابل تصور نیست. از آنجایی که بین زن و مرد تفاوت‌هایی مشهود و غیر قابل انکار است، او با پذیرش اصل تفاوت، برای وصول به اصل آزادی و فرصت برابر تلاش می‌کند. اصل تفاوت از یک طرف نباید به آزادی‌های مطلق افراد بشر لطمه ای وارد کند و از طرف دیگر باید برای رسیدن به فرصت برابر بین انسان‌ها و از جمله زنان و مردان، تفاوت‌ها را تا حد امکان برای وصول به برابری کاهش داد و در حقیقت پذیرش تفاوت در اینجا برای وصول به فرصت برابر است. براین مبنای، رالز برای وصول به اندیشه‌های لیبرالی و برابری طلبی خود میان افراد بشر و آثار و لوازم آن را در حد ضرورت قبول کرده و یا ناچار از پایش آن شده است و اصل تفاوت تحت الشعاع آزادی خواهی لیبرالی و یا برابری خواهی ایشان قرار دارد نه اینکه واقع بینانه تفاوت در نظام تکوین را پذیرفته باشد و به واقع در تبیین عدالت جنسیتی و بیان تساوی حقوق، به طور طبیعی تفاوتی بین وظایف زن و مرد قائل باشد. با فرض اینکه پذیرش اصل تفاوت را از جانب رالز نکته مثبت نظرات او

بدانیم اما این اشکال بر او وارد است که برای احقاق حقوق زنان در مقابل مردان همه جانبه نگر نبوده است، زیرا او جبران تفاوت‌های زن و مرد را فقط با عینک مادی نگریسته و حال آنکه رعایت لطافت‌های روحی در ارتباطات اخلاقی از اهمیت بیشتری در این زمینه برخوردار است و در اسلام از آن به عنوان رفتار به معروف و رفتار به احسان یاد شده است و رالز از این مهم غفلت نموده است. در یک ارزیابی نهایی، عدالت رفتار یکسان با همه افراد نمی‌باشد، بلکه به هر کس باید حقش داده شود و چه بسا گاهی رفتار مشابه با زن و مرد عین ظلم است و بنابراین تساوی زن و مرد تنها با توجه به موقعیت هریک در نظام آفرینش و تعدیل ارتباطات متقابل آنها تعریف می‌شود و به عبارت دیگر تساوی در جایی است که احکامی بر علیه هر یک از زن و مرد است برابر با احکامی باشد که به نفع ایشان است یعنی باید در تعیین وظیفه اشخاص، توازن و همسانی وجود داشته باشد، و هر نوع تساوی را نمی‌توان عدل دانست، بلکه در صورتی که استحقاق افرادی با هم مساوی و برابر و با آنها یکسان عمل شود می‌توان تعبیر برخورد عادلانه و رعایت عدل را در خصوص رفتار برابر بکار برد و بدون تردید در صورت تفاوت استحقاق افراد، رفتار و برخورداری متفاوت نیز عدل شمرده می‌شود. بر این اساس نمی‌توان برای همه انسان‌ها با شرایط، ویژگی‌های ظرفیت‌ها و نیازهای متفاوت، قانون و امتیازات یکسان در نظر گرفت و این موضوعی است که لازم است در مباحثی همچون عدالت و برابری جنسیتی مورد توجه قرار گیرد.

باعنایت به مباحث ذکرشده مهم‌ترین مبانی عدالت تربیتی عبارت است. ۱. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت، مصداق برخورداری از فیض عام خداوند است؛ ۲. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت یکی از جلوه‌های توازن در هستی به منزله اصل حاکم بر جهان آفرینش است؛ ۳. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت، جنبه‌ای از تحقق عدالت فردی است؛ ۴. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی است؛ ۵. تعلیم و تربیت مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز رشد فطریات انسانی است؛ ۶. تعلیم و تربیت مهمترین عامل زمینه‌ساز رشد کرامت انسانی است؛ ۷. تعلیم و تربیت ابزار اصلی رشد تعقل و اراده به عنوان ویژگی‌های ایجادکننده کرامت انسانی است؛ ۸. تعلیم و تربیت ابزار رشد ارزش‌های اخلاقی است؛ ۹. تعلیم و تربیت، زمینه‌ساز سعادت انسانی است.

ملاحظه‌های اخلاقی

در پژوهش حاضر حق معنوی مولفین آثار مورد احترام قرار گرفته و قوانین تعارض منافع کاملاً مورد توجه قرار گرفته است.

واژه نامه

1. Gender justice	عدالت جنسیتی
2. Violence	خشونت
3. Justice	عدالت
4. Political thoughts	اندیشه‌های سیاسی

12. Empowering of woman	توانمندسازی زنان	5. Liberalistic thought	تفکر لیبرالیستی
13. Economic justice	عدالت اقتصادی	6. Political liberalism	لیبرالیسم سیاسی
14. Altruism	نوع دوستی	7. Ethical values	ارزش های اخلاقی
15. Political philosophy	فلسفه سیاسی	8. Ethical principles	اصول اخلاقی
		9. Freedom	آزادی
		10. Human civilization	تمدن بشری
		11. Development	توسعه

References

1. Tabatabaei M. Social relations in Islam. 2nd ed. Tehran: Azadi Publication. 2023. (In Persian).
2. Motahari M. The principles of philosophy and the method of realism. 5th ed. Tehran: Sadra Publication. 2010. (In Persian).
3. Motahari M. Education in Islam. 3rd ed. Tehran: Sadra Publication. 2009. (In Persian).
4. Motahari M. Ten speeches. 2nd ed. Tehran: Sadra Publication. 2005. (In Persian).
5. Motahari M. Sexual ethics in Islam and the Western world. 29th ed. Tehran: Sadra Publication. (In Persian).
6. Eshaghi M, Ahmadiy M. Rereading justice in John Rawls' thought with an emphasis on gender justice. Pizhuhish nāmah-i intiqādī-i mutūn va barnāmah hā-yi 'ulūm-i insāni (Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences), 2021; 20(11): 1-23. doi: <https://doi.org/10.30465/crtls.2020.25510.1539>
7. Akhavan Kazemi M, Veici S. John Rawls and international justice. Research Letter of Political Science, 2012; 7(1): 7-37. (In Persian).
8. Vaezi A. John Rawls, from theory of justice to political Liberalism. 3rd ed. Qom: Bustane Ketab. 2021. (In Persian).
9. Alasvand F. Women and equal rights. Tehran: Public Relations of Women's Socio-Cultural Council. 2021. (In Persian).
10. Mashidi A, Gholami A, Pirzad A. Ranking of effective factors in the appointment and promotion of managers with a gender justice approach in Iran. Ethics in Science and Technology 2022; 17 :37-42.
11. Shohani A, Mayeli F. Ethical considerations on the concepts of justice and freedom in the human rights charter from the point of view of the schools of Realism and Liberalism. Ethics in Science and Technology 2019; 13 (4) :15-21. Dor: [20.1001.1.22517634.1397.13.4.4.2](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1397.13.4.4.2)
12. Roudgar MJ. Gender equality according to Allameh Tabatabaei and Martyr Mottahari. Women's Strategic Studies, 2010; 12(46): 49-80. Dor: [20.1001.1.20082827.1388.12.0.3.9](https://doi.org/10.1001.1.20082827.1388.12.0.3.9)
13. Talebi M, Hasani M, Kabiri A. Canonical analysis of the relationship between college students' perceptions of instructor credibility (competence, morality, and caring) & their perceptions of classroom justice. Ethics in Science and Technology 2021; 16 (2) :132-138. Dor: [20.1001.1.22517634.1400.16.2.17.2](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1400.16.2.17.2)
14. Shafiei F, Ameri Golestani H, Shahriari M A. The concept of justice as a moral virtue of societies in the discourse of liberal democracy. Int. J. Ethics Soc 2023; 5 (3): 6-13. <http://dx.doi.org/10.22034/ijethics.5.3.6>
15. Salimi S, Boland Raftar H, Bakhshalizadeh D. Study of ethical philosophy in regard to gender differences. Ethics in Science and Technology, 2016; 10(3): 93-102. (In Persian).
16. Mirvasinik S. Human development and gender justice in the Amartya Sen's capability approach. Interdisciplinary Studies in the Humanities, 2016; 7(4): 47-72. doi: <https://doi.org/10.7508/isih.2015.28.003>
17. Patel V. The ethics of gender justice. Med Ethics. 1995; 3(4):65-7. PMID: 15586949.
18. Calhoun C. Justice, care, gender bias. The Journal of Philosophy, 1988; 85(9): 451-463. <https://doi.org/10.2307/2026802>.